



دانشگاه علامه طباطبایی

پردیس آموزشهای نیمه حضوری

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته روابط بین الملل

رقابت امنیتی قدرتهای بزرگ در آسیای مرکزی پس از جنگ سرد

استاد راهنما:

دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی

استاد مشاور:

دکتر سید محمد طباطبایی

استاد داور:

دکتر علی آدمی

نگارنده:

مقدس صداقت جناقرد

زمستان ۱۳۹۰

تقدیم به:

پدر و مادر عزیزم

تقدیر و تشکر:

بی شک نوشتن این تحقیق میسر نبود مگر به یاری اساتید بزرگواراری که ما را

در مراحل انجام آن یاری فرمودند. بدین وسیله از راهنمایی های ارزشمند آقای

دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی در مقام استاد راهنمای تحقیق و از آقای

دکتر سید محمد طباطبایی که زحمات مشاوره ای که تقبل فرمودند و از آقای

دکتر علی آدمی که داوری پایان نامه را بر عهده داشتند، صمیمانه تشکر و

قدردانی می نمایم.

چکیده

پایان نظام دو قطبی به تبع فروپاشی شوروی تأثیرات مهمی را در نظام بین الملل در سطوح مختلف ملی، منطقه ای و بین المللی از خود بر جای گذاشت که بر اثر آن واحدهای مستقلی در آسیای مرکزی که تعدادشان به ۵ جمهوری می رسید بوجود آمدند. این منطقه که در دوران جنگ سرد جزو قلمرو سیاسی - جغرافیایی شوروی بودند، پس از فروپاشی آن، به صورت واحدهایی با هویت جغرافیایی - سیاسی مستقل و فضاهای بدون قدرت به صورت عرصه ای نو برای رقابت امنیتی قدرتهای بزرگ پدیدار شدند. و مفروض گرفتیم که پس از جنگ سرد سه عامل فوق مهمترین علل شکل دهنده به رقابت امنیتی چهار قدرت بزرگ ایالات متحده، روسیه، چین و اتحادیه اروپا در منطقه آسیای مرکزی می باشد. برخلاف قرن نوزدهم که رقابت در منطقه صرفاً برای نفوذ و اهمیت آن به لحاظ دروازه هند بود، پس از جنگ سرد وجود انرژی، تلاش برای نفوذ و پدیدار شدن تهدیدات جدید و غیر متعارف در منطقه که تهدیدی علیه قدرتهای بزرگ به شمار می رفت، سبب ساز نگرش امنیتی این قدرتها به منطقه و امنیتی ساختن این تهدیدات و چالش های برآمده از منطقه توسط آنها گردید. منطقه به لحاظ موقعیت استراتژیک خود اکنون صحنه تعامل ابرقدرت دیروز (روسیه)، امروز (ایالات متحده آمریکا) و فردا (چین) است و نحوه تعامل آنها بر آینده امنیتی کل اوراسیا را متأثر از خود خواهد کرد.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات طرح تحقیق

بیان مسئله	۲
سوال اصلی	۶
فرضیه پژوهش	۷
متغیرها	۷
سوابق پژوهشی	۷
اهمیت، اهداف و علل انتخاب موضوع	۱۲
روش تحقیق	۱۲
روش گردآوری داده ها	۱۲
تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی تحقیق	۱۲
مشکلات تحقیق	۱۳
سازماندهی تحقیق	۱۳
منابع فصل	۱۶

فصل دوم: چارچوب تئوریک

مقدمه	۱۸
تعریف امنیت	۱۸
برداشت سنتی از امنیت	۱۹
الف: برداشت آرمانگرایانه از امنیت	۱۹
ب: برداشت واقع گرایانه از امنیت	۲۲
واقع گرایی کلاسیک	۲۳
- توسیدید	۲۳
- ماکیاولی	۲۴
- هابز	۲۶
مورگنتا	۲۸
نوواقع گرایی	۳۲

۳۲ والتز
۳۶ مرشایمر
۳۸ برداشت موسع از امنیت
۳۹ ابعاد پنجگانه امنیت بوزان
۴۰ امنیت سیاسی
۴۲ امنیت نظامی
۴۴ امنیت اقتصادی
۴۶ امنیت اجتماعی
۴۷ امنیت زیست محیطی
۴۸ مکتب کپنهاگ
۴۹ مباحث فرانظری مکتب کپنهاگ
۴۹ الف: مبانی هستی شناسی
۵۰ ب: مبانی شناخت شناسی
۵۰ امنیت از نظر مکتب کپنهاگ
۵۱ واحدهای تحلیل امنیت، بازیگران و موضوعات .
۵۲ امنیتی ساختن از منظر مکتب کپنهاگ
۵۴ اهمیت امنیت منطقه ای در مکتب کپنهاگ
۵۶ منابع فصل

فصل سوم: مشخصات صحنه رقابت امنیتی قدرتهای بزرگ

۶۰ مقدمه
۶۰ آسیای مرکزی، ویژگی ها و محیط داخلی آن
۶۴ منابع انرژی موجود در آسیای مرکزی
۶۵ قزاقستان
۶۶ ترکمنستان
۶۷ ازبکستان
۶۸ تاجیکستان
۶۹ قرقیزستان

۷۰ نقش اسلام در آسیای مرکزی
۷۴ آسیای مرکزی منطقه ای برای حوزه نفوذ
۷۷ تحولات امنیتی آسیای مرکزی
۷۷ الف: محیط امنیتی آسیای مرکزی قبل از ۹/۱۱
۷۹ ب: تحولات امنیتی آسیای مرکزی پس از ۹/۱۱
۸۱ آسیای مرکزی به عنوان یک مجموعه امنیتی
۸۱ تئوری مجموعه امنیتی کلاسیک
۸۴ فراسوی مجموعه امنیتی کلاسیک
۸۵ مجموعه امنیتی آسیای مرکزی
۸۹ شانگهای، امنیت منطقه ای و قدرتهای بزرگ مداخله گر در منطقه
۹۰ شانگهای و موازنه ایالات متحده آمریکا
۹۵ ایالات متحده و همکاری با شانگهای در آسیای مرکزی
۹۶ شانگهای و اتحادیه اروپا: فرصت یا تهدید
۹۸ منابع فصل سوم

فصل چهارم: نگرش امنیتی آمریکا به آسیای مرکزی

۱۰۵ مقدمه
۱۰۶ تاریخچه استراتژی جهانی آمریکا تا ۹/۱۱
۱۰۶ الف: استراتژی کلان آمریکا از جنگ جهانی دوم تا فروپاشی شوروی
۱۰۸ - استراتژی سد نفوذ (Containment)
۱۰۹ ب - استراتژی کلان آمریکا پس از جنگ سرد
۱۱۰ - ویژگی های سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ سرد
۱۱۰ - یکجانبه گرایی
۱۱۱ - مداخله گرایی
۱۱۲ - عملیات پیش دستانه
۱۱۲ ساختار تک قطبی پس از جنگ سرد و سیاست خارجی آمریکا
۱۱۴ ج - استراتژی کلان آمریکا پس از ۹/۱۱
۱۱۶ نومحافظه کاران و سیاست خارجی آمریکا
۱۱۹ ایالات متحده و محیط عملیاتی آسیای مرکزی

۱۲۵	مبارزه با تروریسم زمینه ساز نزدیکی آمریکا و روسیه
۱۲۸	آمریکا و انرژی آسیای مرکزی
۱۲۸	- منابع تأمین انرژی
۱۲۹	- خلیج فارس، منبع اصلی تأمین انرژی جهان
۱۳۰	- آسیب پذیری آمریکا
۱۳۱	- نگاه استراتژیک آمریکا به منابع انرژی آسیای مرکزی و حوزه خزر
۱۳۳	- امنیت انرژی ایالات متحده
۱۳۳	- ارزیابی سیاست انرژی دولت بوش
۱۳۵	ایالات متحده و تروریسم در آسیای مرکزی
۱۳۶	- زمینه های افزایش حرکت های افراط گرایانه در مناطق مختلف آسیای مرکزی
۱۳۷	- افراط گرایی زائیده محرومیت و محدودیت دینی
۱۳۷	- نقش غرب و آمریکا در آینده تحولات آسیای مرکزی
۱۳۹	- تهدیدات منافع آمریکا
۱۴۱	ایالات متحده و حوزه نفوذ در آسیای مرکزی
۱۴۶	منابع فصل

فصل پنجم: نگرش امنیتی روسیه به آسیای مرکزی

۱۵۴	مقدمه
۱۵۴	اهمیت و جایگاه آسیای مرکزی برای روسیه
۱۵۵	منافع روسیه در آسیای مرکزی
۱۵۵	- منافع نظامی - امنیتی روسیه در آسیای مرکزی
۱۵۶	- منافع اقتصادی - امنیتی روسیه در آسیای مرکزی
۱۵۷	- منافع فرهنگی - امنیتی روسیه در آسیای مرکزی
۱۵۸	- منافع سیاسی - امنیتی روسیه در آسیای مرکزی
۱۵۸	سیاست خارجی روسیه پس از فروپاشی شوروی
۱۵۸	گفتمان های سیاست خارجی روسیه
۱۵۸	الف - گفتمان آتلانتیک گرایی
۱۶۰	ب - گفتمان اوراسیا گرایی: همکاری با شرق، رقابت با غرب
۱۶۰	پ - گفتمان ملی گرایی

سیاست خارجی روسیه و آسیای مرکزی در دوره یلتسین	۱۶۱
سیاست خارجی روسیه و آسیای مرکزی در دوره پوتین	۱۶۶
روسیه و نظام بین الملل پس از جنگ سرد	۱۶۹
روسیه و آسیای مرکزی پس از ۹/۱۱	۱۷۲
وضعیت انرژی در روسیه و جایگاه آن در نگرش روسیه	۱۷۵
سیاست انرژی روسها در آسیای مرکزی	۱۷۶
انرژی به عنوان اهرم سیاسی	۱۷۷
روسیه و تروریسم در آسیای مرکزی	۱۷۹
- دستور کار ضد تروریستی پوتین ۲۰۰۱ - ۱۹۹۹	۱۸۱
- دستور کار گسترده ضد تروریستی پوتین پس از ۹/۱۱	۱۸۱
روسیه و حوزه نفوذ در آسیای مرکزی	۱۸۲
آسیای مرکزی حوزه منافع ویژه روسیه	۱۸۴
- حوزه سیاسی - نظامی	۱۸۴
- حوزه ژئواکونومیکی	۱۸۶
- حوزه ژئوکالچر	۱۸۷
منابع فصل	۱۸۸

فصل ششم: نگرش امنیتی چین به آسیای مرکزی

مقدمه	۱۹۵
رویکردی نظری به ظهور چین	۱۹۶
- لیبرال های خوش بین	۱۹۷
- لیبرال های بد بین	۱۹۸
- رئالیست های خوش بین	۱۹۸
- رئالیست های بدبین	۱۹۹
- سازه انگاران خوش بین	۲۰۰
- سازه انگارات بد بین	۲۰۱
سیاست خارجی چین	۲۰۲
چین و ایالات متحده پس از ۹/۱۱: از دشمنی تا همکاری بر علیه تروریسم	۲۰۵

۲۰۶.....	امنیت انرژی چین
۲۰۸.....	چین و محیط عملیاتی آسیای مرکزی
۲۱۱.....	چین و انرژی آسیای مرکزی
۲۱۳.....	چین و تروریسم در آسیای مرکزی
۲۱۷.....	- همکاری ضد تروریستی چین و قزاقستان
۲۱۸.....	- همکاری ضد تروریستی چین و تاجیکستان
۲۱۸.....	- همکاری ضد تروریستی چین و قرقیزستان
۲۱۹.....	- همکاری ضد تروریستی چین و ازبکستان
۲۱۹.....	- همکاری ضد تروریستی چین و ترکمنستان
۲۱۹.....	چین و حوزه نفوذ در آسیای مرکزی
۲۲۶.....	- دستاوردهای تاکتیکی چین پس از حادثه ۹/۱۱
۲۲۷.....	- زیانهای استراتژیک چین در آسیای مرکزی پس از حادثه ۹/۱۱
۲۲۹.....	- نفوذ محدود چین در آسیای مرکزی
۲۳۱.....	متابع فصل

فصل هفتم: نگرش امنیتی اتحادیه اروپا به آسیای مرکزی

۲۳۷.....	مقدمه
۲۳۸.....	جایگاه اتحادیه اروپا در نظام بین الملل
۲۴۰.....	سیاست خارجی و امنیتی مشترک (CFSP)

سیاست دفاعی و امنیتی مشترک (ESDP)	۲۴۲
اتحادیه اروپا و سایر قدرتهای بزرگ	۲۴۴
- اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا	۲۴۴
- اتحادیه اروپا و روسیه	۲۴۵
- اتحادیه اروپا و چین	۲۴۶
اهمیت آسیای مرکزی برای اتحادیه اروپا	۲۴۷
استراتژی اتحادیه اروپا در آسیای مرکزی	۲۴۸
بزارهای اتحادیه اروپا برای رقابت در منطقه	۲۵۰
امنیت انرژی اتحادیه اروپا	۲۵۲
سیاست انرژی اتحادیه اروپا	۲۵۴
اینوگیت	۲۵۵
تراسیکا	۲۵۶
خطوط انتقال انرژی از آسیای مرکزی به غرب	۲۵۷
- خط لوله باکو - تفلیس - جیحان (BTC)	۲۵۷
- کنسرسیوم لوله خزر (CPC):	۲۵۷
- خط لوله باکو - تفلیس - ارزروم یا قفقاز جنوبی (SCP)	۲۵۷
- خط لوله گازی ناباکو (NABUCCO)	۲۵۸
اتحادیه اروپا و تروریسم	۲۵۸
واحد اقدام ضد تروریسم در سازمان امنیت و همکاری اروپا	۲۶۰
اتحادیه اروپا و تروریسم در آسیای مرکزی	۲۶۲
- افراط گرایی	۲۶۲
- مدیریت امنیت مرزی	۲۶۴
اتحادیه اروپا و حوزه نفوذ در آسیای مرکزی	۲۶۶
- کمکهای اتحادیه اروپا به منطقه	۲۶۹
منابع فصل	۲۷۲
نتیجه گیری	۲۷۶

فصل اول

کلیات تحقیق

بیان مسئله

آسیای مرکزی که بخش جنوبی قلمرو هارتلند را در نظریه مکیندر تشکیل می داد، در دوره جنگ سرد جزو قلمرو سیاسی - ژئوپلیتیک اتحاد شوروی بود. با فروپاشی شوروی و سقوط نظام دو قطبی، این منطقه با داشتن دولتهایی مستقل، هویت مستقل جغرافیایی - سیاسی پیدا کرد و در شکل فضاها بدون قدرت به دلیل خلأ قدرت ناشی از فروپاشی شوروی به صورت عرصه ای برای رقابت های چند سطحی قدرت های بزرگ پدیدار شد. این قدرت ها برنامه های رقابتی زیادی را در قالب اهداف و استراتژی های مختلف مطرح کرده اند. ایالات متحده با نگرش جهانی خود به دنبال تغییرات زود گذر و پایدار است و سیاست های منسجمی را در منطقه برای افزایش منافع خود دنبال می کند و اتحادیه اروپا را در این زمینه با خود همراه کرده است. کشورهای چین و روسیه هم علاوه بر توسعه نفوذ خود، نگرانی های امنیتی نسبت به خود دارند. از این رو ما در بحث حاضر علل و عوامل موثر در شکل گیری رقابت امنیتی قدرتهای بزرگ (ایالات متحده، اتحادیه اروپا، چین، روسیه) در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی را بررسی می کنیم. البته لازم به ذکر است که علل و عوامل متعددی می توانند شکل دهنده به نگرش امنیتی قدرت های بزرگ در این منطقه باشند، فلذا ما این عوامل را به صورت رقابت بر سر انرژی و تأمین امنیت آن، مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی و گسترش حوزه نفوذ تحدید می کنیم.

با فروپاشی نظام کمونیستی در شوروی و پایان نبرد ایدئولوژیک، منافع سیاسی در آسیای مرکزی بر اساس رقابت های ایدئولوژیک در حال کمرنگ شدن است. و از طرف دیگر جنگ افغانستان در سال ۲۰۰۱ باعث کم شدن تهدید بنیاد گرایی اسلامی در منطقه شد از این رو آمریکا دلیلی برای حضور گسترده در منطقه نمی یابد. اما با این وجود باید گفت که آسیای مرکزی به دلایل حاشیه ای اهمیت بسزایی برای ایالات متحده دارد، همانطور که برای چین و روسیه هم مهم تلقی می شود. نکته مهم در باب حضور نیروهای آمریکا در آسیای مرکزی موقعیت ژئوپلیتیکی منطقه است، به گونه ای آژانس اطلاعات انرژی آمریکا تنگه بوسفر و بندرهای روسی در دریای سیاه را به عنوان دو گذرگاه جهانی برای کنترل منابع نفت و گاز آسیای مرکزی معرفی می کند. بطوریکه برآوردها نشان می دهد که آسیای مرکزی ذخایری همانند آنچه در دریای شمال کشف شده، دارد و ذخایر گاز این منطقه طبق برآورد اداره اطلاعات انرژی آمریکا با ذخایر انرژی عربستان قابل مقایسه است. هدف دراز مدت و کلان آمریکا این است که با ورود به حیاط خلوت روسیه و حضور در منطقه از شکل گیری پیمان ها و اتحادیه های نظامی در منطقه جلوگیری کند و

ضمن مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، نظم سیاسی خاص خود را برای تأمین منافع ملی و رسیدن به منابع انرژی و نیز کمک به دوستان خود را برای دست یابی به آن را پی بگیرد. پس از یازده سپتامبر آمریکا آشکارا ادامه حضور خود را با علایق امنیتی در آسیای مرکزی پیوند زده است. پیش از آن منافع آمریکا در این منطقه برای جلوگیری از احیای نفوذ تاریخی روسیه و نیز جلوگیری از تأمین منافع و نفوذ جمهوری اسلامی ایران و اصولاً کنترل انرژی در منطقه تعیین می شد ولی در شرایط به شدت امنیتی شده پس از یازده سپتامبر آمریکاییها نیروهای نظامی خود را در پایگاه ماناس قرقیزستان و خان آباد ازبکستان مستقر ساخته اند و به زودی روشن ساخته اند که قصد ترک منطقه را هم ندارند و حتی برخی از مقامات آمریکایی از ایجاد ناتوی آسیایی سخن گفته اند. در واقع بخشی از حضور آمریکا در آسیای مرکزی پس از فروپاشی شوروی و تغییرات ساختاری ناشی از آن و باقی ماندن آمریکا به عنوان تنها ابرقدرت، کشش طبیعی به سوی پر کردن خلأ قدرت ایجاد شده در منطقه جهت افزایش حوزه نفوذ و دائمی کردن نفوذ و برتری در عرصه بین المللی است. چرا که امروزه ایالات متحده عصر تفوق را در پیش رو دارد ازینرو مرزهای خود را در سراسر جهان گسترش داده و با حضور خود در منطقه آسیای مرکزی و سایر مناطق جهان سعی در تثبیت نقش رهبری خود در جهان را دارد. همچنین علاوه بر مجاورت این منطقه با روسیه تلاش آمریکا برای جلوگیری از تسلط آن کشور بر این منطقه، مجاورت این منطقه با قدرت در حال ظهور چین و قدرت منطقه ای ایران حائز اهمیت است و جلوگیری از نفوذ و تسلط آنها بر این منطقه مخصوصاً در مورد چین مورد توجه آمریکاست. به خصوص که این کشور یک قدرت در حال ظهور بوده و برنامه کمکهای مالی را به کشورهای آسیای مرکزی دنبال می کند و در سالهای اخیر به همکاری خود با این کشورها در همه ابعاد به ویژه در زمینه همکاری امنیتی افزوده است و با ادغام کردن معضلات شمال غربی خود که شباهت فرهنگی و قومی و دینی بیشتری به منطقه دارد تا چین و همواره به صورت نیروهای گریز از مرکز عمل کرده اند و این کشور در واکنش به این آسیب پذیری خود و توان امنیتی سازی تهدیدات ناشی از آن مهمترین سازمان امنیتی منطقه یعنی شانگهای را با همکاری روسیه رهبری می کند. و به نظر به منطقه به عنوان حوزه نفوذ آینده خود می نگرد بخصوص این شائبه با ضعف کنونی روسها محتمل به نظر می رسد. به نظر ایالات متحده با شرایط بوجود آمده تک قطبی به دنبال تداوم این وضعیت بوده و یکی از اهداف آمریکا پس از جنگ سرد جلوگیری از ظهور قدرتهای رقیب بوده است و لذا ایالات متحده نگران تسلط روسیه یا چین بر این منطقه و انرژی آن است که این کار چالشی علیه موقعیت ایالات متحده به شمار می رود. از این رو آمریکا با حضور در منطقه سعی در کنترل فعالیتهای دو کشور را دارد. علاوه براین، این منطقه استعداد و توانایی یک پیمان ضد هژمونی بر علیه آمریکا را دارد که ما این رگه های مقاومت در برابر آمریکا در منطقه و توازن آن را در تلاش دو قدرت روسیه و چین در سازمان شانگهای می بینیم که با پیوستن سایر قدرتها مثل ایران می تواند یک اتحادی در منطقه در برابر آمریکا شکل بگیرد ولی برخی صاحب نظران همچون آلیسون و جانسون شکل

گیری یک ائتلاف ضد آمریکایی در منطقه را غیر محتمل می دانند. ایالات متحده پس از ۹/۱۱ و کمرنگ شدن تهدیدات تروریستی پس از شکست طالبان منطقه را ترک نکرده بلکه با حضور در منطقه و به دست آوردن پایگاههایی در منطقه رقیب آینده خود را آسیب پذیر کرده است.

پس از فروپاشی شوروی، روسیه نیز سیاست خارجی خود را در این مناطق به عنوان بخشی از خاور نزدیک مورد توجه قرار داد و در "سند مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه" که در اواخر سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید منعکس کرده است و در بین اهداف مربوط به سیاست های روسیه در قبال خاور نزدیک آسیای مرکزی نیز در این قالب تعریف می شود محورهای زیر مورد تأکید قرار گرفته اند:

۱. تعمیق همکاریهای سیاسی - نظامی و اقتصادی با کشورهای تازه استقلال یافته در چهارچوب تشکیل جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS) به همان صورتی که براساس روابط دو جانبه وجود دارد.

۲. توسعه و تقویت ساختار (CIS).

۳. حمایت و حفاظت از مرزهای CIS.

۴. تشکیل نیروهای حافظ صلح CIS و ...

از این رو روسیه هم که خود را وارث اتحاد جماهیر شوروی می داند و هرگونه نفوذ قدرت های فرا منطقه ای را در حوزه پیشین اتحاد جماهیر شوروی به عنوان بخشی از منطقه خارج نزدیک خود بر نمی تابد و حضور قدرت های خارجی در آن خواه ناخواه بر امنیت روسیه تأثیر می گذارد و این زمانی وضعیت را حاد می کند که یکی از این کشورها با رقبای غربی روسیه همکاری کنند. این کشور پس از به قدرت رسیدن پوتین در سال ۱۹۹۹ و سیاست "گرایش به شرق ضمن حفظ مناسبات با آمریکا"، برای تقویت روسیه توجه بیشتری را به ابزار اقتصادی قدرت مبذول داشت و قصد استفاده از منابع انرژی منطقه برای احیای قدرت خود را دارد و به انرژی به عنوان اهرمی برای دستاوردهای سیاسی بویژه در روابط خود با اروپا استفاده می کند. همچنین روسیه به همراه چین نگران سیاست های ایالات متحده در آسیای مرکزی برای افزایش دموکراسی و حقوق بشر و به عبارت دیگر خواهان حفظ ثبات در این منطقه است و تلاش غرب برای گسترش دموکراسی از طریق انقلاب های رنگی برای پر کردن خلأ ناشی فروپاشی شوروی و مقابله با نفوذ فزاینده چین به دنبال گسترش حوزه نفوذ خود از این طریق است. تلاش برای گسترش دموکراسی و بی ثباتی های ناشی از آن همانطور که حوادث قرقیزستان و گرجستان نشان داد، می توانند بی ثباتی در سطح منطقه را گسترش دهد. و هر نوع بی ثباتی در این منطقه می تواند به داخل خاک روسیه کشانده شود. همچنین روسها پس از ۱۱ سپتامبر نگران تمایلات اسلام خواهی در آسیای مرکزی و نفوذ طالبان و گسترش آثار آن در قلمرو فدراسیون روسیه هستند. حوادث تروریستی مانند گروگان گیری در ازبکستان، ناآرامی های و انفجارهای تاشکند ضرورت توجه بیشتر به تروریسم در آسیای مرکزی را به صورت همکاری های امنیتی چند جانبه مانند سازمان امنیت جمعی با کشورهای آسیای مرکزی و پیمان شانگهای با

همکاری قدرت بزرگ چین را روشن ساخته است. به نظر برخی از سیاستمداران روسی همچون زینویف فکر می کنند که روسیه کما فی السابق نیازمند منابع و ذخایر زمینی آسیای مرکزی است و در صورت تحت کنترل در آوردن این منابع می تواند به عنوان ابرقدرت انرژی مطرح شود و ابزار انرژی به ابزاری می تواند به عنوان یک ابزاری تعیین کننده در تعامل این کشور با سایر بازیگران در عرصه بین المللی مطرح گردد. این مخصوصاً در دوره پوتین مورد توجه قرار گرفته و او قصد احیای نقش جهانی روسیه را با تکیه بر انرژی دارد.

نگرش امنیتی چین در آسیای مرکزی ناشی از دو عامل نیاز به انرژی و مبارزه با تروریسم و افراط گرایی اسلامی و با ثبات سازی و هارمون کردن با ظهور چین در بلند مدت به عنوان حوزه نفوذ متأثر می شود. با توجه به انتخاب توسعه اقتصادی به عنوان انتخاب استراتژیک این کشور، ضرورت واردات بدون وقفه انرژی برای تداوم رشد بالای اقتصادی و کاستن از وابستگی به انرژی خاورمیانه به دلیل بی ثبات بودن آن و امنیت انتقال انرژی و امنیت مسیرهای آن دولت چین در صدد است تا مسیرهای انرژی وارداتی خود را متنوع کند تا وابستگی خود را به خلیج فارس و برخی کشورهای تولید کننده نفت که تحت نفوذ آمریکا هستند را کاهش دهد. این کشور همچنین توان حفاظت از آبراههای دریای را برای سلامت انتقال انرژی به چین را ندارد و به دلیل کنترل ایالات متحده بر اکثر آبراههای مهم بین المللی برای رقابت با ایالات متحده در بلند مدت به شدت آسیب پذیر است و در صورت درگیری با آمریکا و تلاش برای دستیابی به قدرتی همتراز و احتمالاً فراتر از ایالات متحده از این ناحیه آسیب پذیری هایی را به خود می بیند. از این رو منابع انرژی آسیای مرکزی و حوزه خزر به دلیل کمی مسافت و خارج از کنترل آمریکا بودن مورد توجه رهبران چین قرار گرفته است. همچنین همجواری ایالت سین کیانگ چین با آسیای مرکزی و اشتراکات فرهنگی و قومی بین آنها دولت چین نگران انتقال امواج اسلام گرایی از آسیای مرکزی به این ایالت خود و تجزیه طلبی در آن است. چرا که این ایالت به دلیل وجود ذخایر نفت و گاز برای دولت چین از اهمیت استراتژیک برخوردار است. و چین ارتباط روشنی بین ناآرامی های سین کیانگ با افراط گرایی و بنیادگرایی در آسیای مرکزی می بیند. علاوه بر این حضور آمریکا در منطقه با ترویج شعارهایی چون دموکراسی و حقوق بشر پشت مرزهای آمریکا می تواند تهدیدی علیه چین و تمامیت ارضی آن به شمار رود. از این رو دغدغه های امنیتی چین سبب شد تا در نیمه دهه ۱۹۹۰ با روسیه و جمهوری های منطقه، پیمان امنیتی شانگهای را برای مقابله با این تهدیدات امنیتی به امضا برسانند. بنابراین چین و روسیه در برابر تهدیدات ناشی از تروریسم، افراط گرایی اسلامی، جدایی طلبی و توسعه نفوذ آمریکا همسو هستند. از سوی دیگر چین به عنوان یک قدرت درحال ظهور با نفوذ در مناطق همجوار خود سعی در تبدیل شدن به قدرت برتر در آسیا دارد تا تا بعد از تسلط بر این منطقه به رقابت با ایالات متحده در سطح جهانی بپردازد. از این رو چین بر تبدیل شدن خود به قدرت جهانی و رقابت با آمریکا باید آسیا را با خود همراه سازد و تبدیل به شدن به

قدرت همتراز با آمریکا بایستی شکاف قدرت خود را با سایر قدرتهای منطقه به حداکثر برساند و آماده رقابت با آمریکا گردد.

اما در مورد اتحادیه اروپا می توان گفت که این اتحادیه برخلاف ایالات متحده، منافع استراتژیکی مشخص و مستقیمی در آسیای مرکزی دارد و اتحادیه اروپا در این منطقه که یکی از اقتدارگراترین مناطق جهان محسوب می شود به دنبال گسترش دموکراسی، ادغام منطقه در اقتصاد بازاری، رعایت حقوق بشر را از اولویت های خود می داند. اتحادیه اروپا پس از جنگ سرد در قالب برنامه مشارکت برای صلح ناتو یا توسعه سازمان امنیت و همکاری اروپا به دنبال ایفای نقش موثر در منطقه بوده و از آنجایی اتحادیه یک قدرتی است که بیشتر خواهان ایفای نقش از طریق نهادهای و سازمان های بین المللی است و برخلاف روسیه و چین پیوستگی جغرافیایی با منطقه ندارد و برخلاف آمریکا آنقدر قدرتمند نیست که در تمام مناطق جهان قادر به ایفای نقش موثر و تعیین کننده داشته باشد. از اینرو تعامل خود در منطقه پس از جنگ سرد را براساس برنامه های و طرح های و کمکهایی به منطقه تعقیب کرده است. یکی از دغدغه های مهم برای اتحادیه اروپا، وابستگی آن در بخش انرژی است که تقریباً بیشترین واردات انرژی آن از روسیه انجام می گیرد و این اتحادیه را در رقابتهای جهانی با سایر قدرتهای بزرگ آسیب پذیر می سازد. بسیاری از پیش بینی ها حاکی از آن است که این اتحادیه از سال ۲۰۳۰ به بعد مجبور به واردات بیش از ۷۰ درصد از انرژی خود خواهد بود و این در حالی است که روسیه یک چهارم گاز طبیعی این اتحادیه را تأمین می کند(که نیمی از آن را وارد می کند) و این به منزله آسیب پذیری اتحادیه اروپا در رقابت های جهانی است. از این رو این اتحادیه با ایجاد مسیرهای متنوع انرژی از جمله با احداث مسیرهایی چون باکو-تفلیس-جیحان، ناباکو و... و سعی در تنوع سازی مسیرهای انرژی و جلوگیری از وابستگی انرژی به روسیه گام برمی دارد و در زمینه دستیابی به انرژی حوزه خزر از حمایت های ایالات متحده - به منظور جلوگیری از انحصار انرژی روسها و حمایت از متحدان خود - بهره می برد. در مجموع می توان گفت که امنیت انرژی، و تروریسم از جمله دلایل نگرش امنیتی اتحادیه اروپا به آسیای مرکزی می باشد. این اتحادیه در سال ۲۰۰۷ و در دوره ریاست آلمان بر اتحادیه استراتژی خود در قبال منطقه را تدوین کرد و نگرش خود به منطقه را جدی تر کرد اما در مقایسه با سایر قدرتهای بزرگ این اتحادیه به دلیل اختلاف نظر های داخلی خود برای پیشبرد اهداف خود در مناطق مختلف به لحاظ عدم انسجام بین اعضای آن و بیگانگی کشور های منطقه با هنجارها و ارزشهای اتحادیه از توان این اتحادیه برای رقابت جدی با سایر قدرتهای بزرگ در منطقه می کاهد.

سوال اصلی تحقیق:

علل و عوامل شکل دهنده به رقابت امنیتی بین قدرتهای بزرگ در آسیای مرکزی کدامند؟
فرضیه اصلی: نیاز به انرژی، تأمین امنیت آن و مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی و گسترش حوزه نفوذ عوامل
شکل دهنده به نگرش امنیتی قدرت های بزرگ به آسیای مرکزی می گردد.

متغیرهای تحقیق:

الف: متغیرهای مستقل

متغیر مستقل انرژی که بصورت نیاز به منابع انرژی نفتی و گازی شاخص سازی می شود.
متغیر مستقل تروریسم و بنیادگرایی که به صورت مبارزه با حرکتها و جنبش های و گروههای افراط گرا و
تندرو دینی و مذهبی و کنترل آنها و نگرانی از تأثیرات و اقدامات بر علیه منافع قدرتهای بزرگ شاخص
سازی می شود.
متغیر مستقل گسترش حوزه نفوذ که به صورت افزایش حضور قدرتهای بزرگ در منطقه آسیای مرکزی،
افزایش نفوذ آنها و توان شکل دهی به رفتار این کشورها و همراه کردن آنها با خود شاخص سازی می شود.

ب: متغیر وابسته

رقابت امنیتی قدرتهای بزرگ که به صورت رقابت امنیتی بین چهار قدرت بزرگ آمریکا، چین، روسیه و
اتحادیه اروپا برای دستیابی به موارد فوق شاخص سازی می گردد.

سوابق تحقیق

- کتاب ها:

- بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی: زمینه ها و چشم اندازها ، نوشته الهه کولایی، مرکز چاپ و انتشارات
وزارت امور خارجه، زمستان ۱۳۸۴.

نویسنده در این کتاب به چالش همگرایی در میان کشورهای مستقل مشترک المنافع و ریشه بحران
های سیاسی و همکاری آنها در قالب اکو پرداخته است . اما در مورد رقابت قدرتهای بزرگ به سه قدرت
بزرگ آمریکا، روسیه و چین اشاره کرده که بر سر انرژی، مبارزه با تروریسم، بنیادگرایی و افراط گرایی در
آسیای مرکزی باهم رقابت و یا همکاری (چین و روسیه) می کنند. نکته جالب این کتاب علاوه بر غیر
تئوریک بودن، است، عدم اشاره ای به نقش اتحادیه اروپا در این رقابت هاست.

- سیاست و حکومت در آسیای مرکزی، نوشته دکتر حبیبالله ابوالحسن شیرازی و محمدرضا مجیدی، تهران:
نشر قوس، ۱۳۸۲.

نویسندگان این کتاب را در سه بخش تقسیم بندی کرده است که در بخش اول به ویژگیهای کلی
منطقه مانند جغرافیای طبیعی و انسانی، سیاسی و اقتصادی را بررسی کرده و در بخش دوم کتاب به بررسی
سیاست و حکومت در آسیای مرکزی پرداخته و تحولات این کشورها را در دوران حاکمیت کمونیست ها و

همچنین دوران گذار این جمهوریها از نگاه به مرکز تا استقلال را مورد بحث قرار داده و تحولات جوامع آسیای مرکزی پس از استقلال از قبیل نوسازی، فرآیند رفرم فرهنگی، ظهور ناسیونالیسم را بررسی کرده و شکل گیری احزاب و اپوزیسیون های و احزاب مخالف و مشکلات ساختاری احزاب و گروههای سیاسی و اسلام گرایی در منطقه را توضیح داده و موارد فوق را در هر یک از کشورهای آسیای مرکزی به بحث گذاشته و در بخش سوم که بخش مهم این کتاب از نظر تحقیق حاضر به شمار می رود بحث خود را تحت عنوان منطقه آسیای مرکزی و نظام بین الملل را بررسی کرده و در فصل اول این بخش تحت عنوان آسیای مرکزی و محیط پیرامون پرداخته که در آن به نقش سه قدرت پیرامونی آسیای مرکزی یعنی ایران، روسیه و ترکیه را توضیح داده است. در فصل دوم این بخش نقش قدرتهای فرامنطقه ای یعنی آمریکا، اسرائیل و پاکستان و دو سازمان یعنی سازمان ناتو و سازمان امنیت و همکاری اروپا را توضیح داده است. اما نکته قابل توجه در مورد این کتاب این است که به نقش چین به یکی از قدرتهای بزرگی نقش هدایت کننده مهمترین سازمان امنیت منطقه ای یعنی شانگهای را دارد و یکی از مهمترین بازیگران مجموعه امنیتی منطقه است. اشاره ای نکرده است و همچنین با اینکه به نقش ناتو و سازمان و سازمان امنیت و همکاری پرداخته هیچ اشاره ای به سازمان شانگهای به عنوان مهمترین و کارا ترین سازمان امنیت منطقه نکرده و ضمناً به نقش اتحادیه اروپا در منطقه به عنوان یک بازیگر فرامنطقه اشاره ای نکرده و فقط نقش اتحادیه را در قالب سازمان امنیت و همکاری توضیح داده است.

— امنیت در آسیای مرکزی: چارچوب نوین بین المللی، نوشته روی آلیسون و لنا جانسون، ترجمه محمدرضا دبیری، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم بهار ۱۳۸۹. کتاب دیگری در این زمینه است که نویسندگان در این کتاب به بررسی امنیت در آسیای مرکزی و پویایی های داخلی و خارجی آن و میراثها و اختلافات مشترک در آن منطقه و نقش اسلام در جوامع و روابط آنها پرداخته است. اما در مورد رقابت قدرتهای بزرگ در این منطقه به نقش سه قدرت بزرگ یعنی روسیه، آمریکا و چین پرداخته و در مورد نگرانی های امنیتی روسیه اظهار می کند که این کشور نگران دخالت قدرت های خارجی، اسلام افراطی در آسیای مرکزی است. وثبات در این جمهوری ها برای روسیه حائز اهمیت است. چرا که هر نوع ناآرامی در این جمهوری ها می تواند تأثیرات منفی بر محیط داخلی روسیه داشته باشد. و در ادامه بحث می کند که روسیه و چین به همراه ایران یک نگرانی مشترکی در مورد نفوذ فزاینده غرب در این منطقه دارند که باعث نزدیکی آنها می شود اما به نظر آنها شکل گیری یک ائتلاف ضد غربی بعید به نظر می رسد. سپس در شکل گیری نگرش ایالات متحده در آسیای مرکزی به عامل انرژی و امنیت آن و جلوگیری از انحصار آن به وسیله روسیه اشاره می کند و معتقد اند که ایالات متحده ضمن مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، نگران اتحاد آسیای مرکزی و خاورمیانه و تبدیل شدن به منطقه ی پویای تندروی اسلامی است که او این مسایل را از اولویت های آمریکا در آسیای مرکزی می داند و سایر مسایل از قبیل حقوق بشر، گسترش دموکراسی و بازار آزاد از

اولویت کمتری نسبت به مسایل فوق برخوردارند. اما در نگرش امنیتی چین به آسیای مرکزی آنها معتقدند که انرژی و مبارزه با تروریسم، افراط گرایی و نگرانی از امنیت ایالت سین کیانگ سبب نگرش امنیتی چین به آسیای مرکزی می گردد. همچنین این کشور نگران احداث پایگاه های آمریکا در آسیای مرکزی و نیز اجرای مانور مشترک آمریکا با این کشورهاست که چین آن را تهدیدی برای امنیت مناطق شمال غربی خود می داند. لازم به ذکر است که با وجود غنای مطلب این کتاب عدم ترجمه سلیس و روان کتاب از معایب این کتاب به شمار می رود که نگارنده به دلیل عدم دسترسی به متن اصلی از ترجمه این کتاب استفاده کرده است.

- ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان ها و بازیگران)، محمود واعظی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۷.

نویسنده در این کتاب به اهمیت ژئوپلیتیک اوراسیا پرداخته و به مباحث نظری این بحث را از منظر سه تن از متفکران یعنی کوهن، هانتینگتون و برژینسکی پرداخته و به عوامل موثر در تحولات آسیای مرکزی و قفقاز، قومیت و قوم گرایی در آسیای مرکزی و قفقاز، بحران قره باغ، علل و ریشه ها و اهداف و منافع بازیگران در این بحران و همچنین علل تداوم جنگ چین و جنگ داخلی تاجیکستان را توضیح داده و در فصل هشتم که مهمترین بحث مرتبط با تحقیق حاضر نیز به شمار می رود، نویسنده به بررسی سیاست قدرتهای موثر در منطقه پرداخته است که پس از بررسی نگرش روسیه به منطقه، آسیای مرکزی و قفقاز را از روند تاریخی آن تا وضعیت پس از فروپاشی، ایالات متحده، روسیه و چین، ایران و ترکیه را بررسی کرده و رویکرد ایالات متحده به منطقه را براساس رویکرد امنیتی، امنیت انرژی و رویکرد استراتژیک و اهداف و چالشهای ایالات متحده در منطقه را بررسی کرده است. در ادامه به بررسی نگرش چین به منطقه ناشی از نیاز به انرژی و مبارزه با تروریسم و نگرش این بازیگر را در در ضلع سوم مثلث (دیگر اضلاع آمریکا و روسیه هستند) پرداخته است. در ادامه به بررسی دو بازیگر منطقه ای یعنی ایران و ترکیه پرداخته است. این کتاب اشاره ای به نقش اتحادیه یا سازمان امنیت و همکاری اروپا نپرداخته است.

مقالات:

- آسیای مرکزی: منطقه ای پویا برای فعالان امنیتی نوشته حسین رفیع و دیگران، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۳، زمستان و بهار ۸۸-۱۳۸۷، صفحات ۶۱-۷۶.

نویسندگان در این مقاله، دو عامل منابع نفت و گاز و اسلام تندرو و خشونت طلبی را مهمترین عامل منازعه و انگیزه قدرت های بزرگ در آسیای مرکزی مورد بحث قرار داده اند.